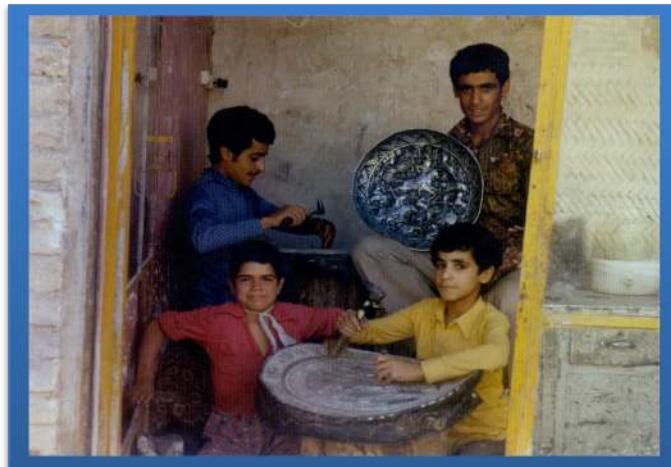
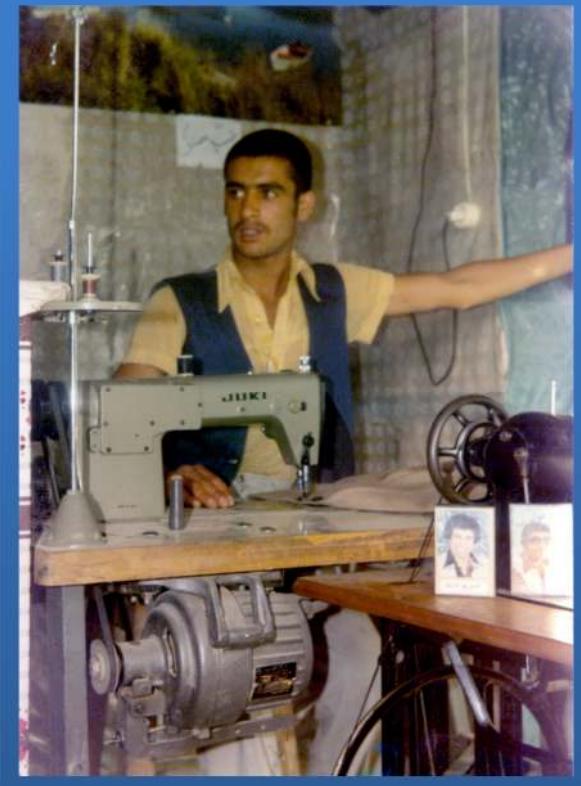


نام: عباسعلی  
نام خانوادگی: کیاصادق  
نام پدر: محمدعلی  
تاریخ تولد: ۱۳۴۱  
 محل تولد: شهرضا  
مدرک تحصیلی: ششم ابتدایی  
وضعیت تأهل: مجرد  
تاریخ عضویت: ۱۳۶۰/۳/۲  
مسئولیت: فرمانده عملیات گردان  
جنده‌الله  
تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۵/۳  
 محل شهادت: مقر دژن در محور  
کامیاران - مریوان  
نحوه شهادت: انفجار مین  
 محل دفن: گلستان شهداء اصفهان



Abbasali سال ۱۳۴۱ در شهرضا اصفهان به دنیا آمد.  
پدرش کارگر ذوب‌آهن بود و زندگی آنها به سختی  
می‌گذشت. برای همین سال دوم ابتدایی ترک تحصیل  
کرد و در یک خیاطی مشغول کار شد.

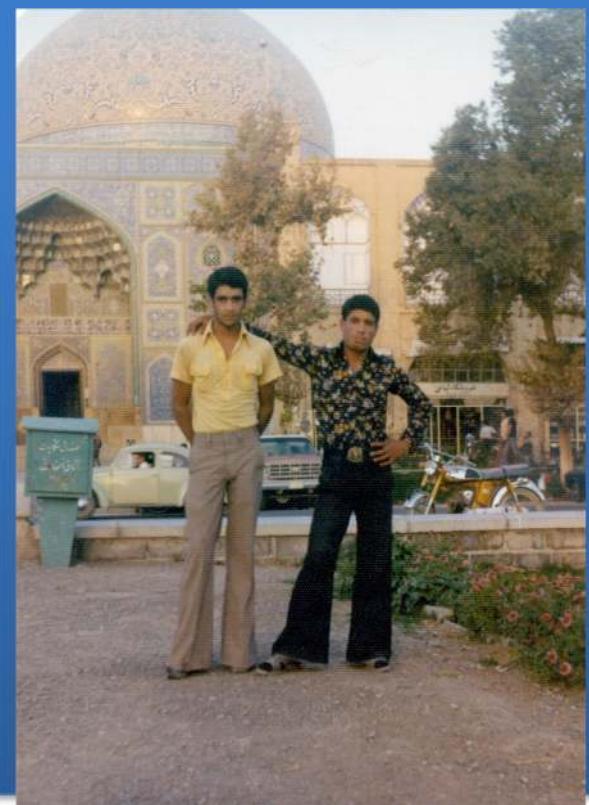


از آن به بعد روزها کار می‌کرد و شبها درس می‌خواند، به همین ترتیب تا پایان دوره ابتدایی ادامه داد و بعد از آن مجبور به ترک تحصیل شد.



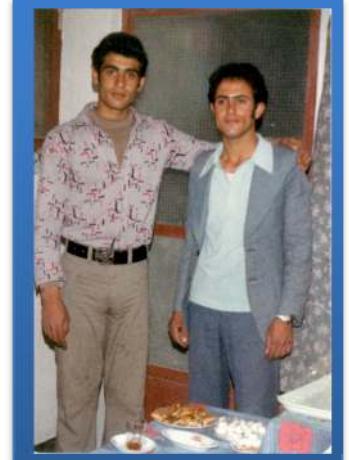
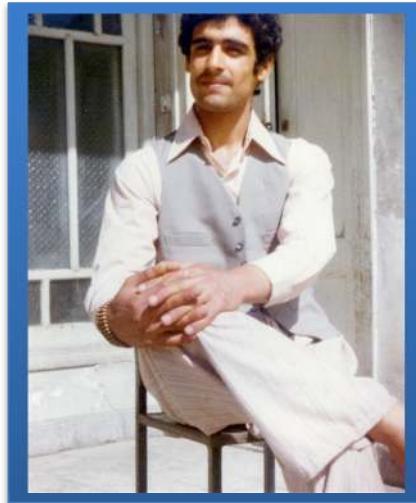
حالا دیگر شغلش خیاطی بود. یک چرخ خیاطی و یک میز داشت که در مغازه‌ای گذاشته بود و کار می‌کرد، با همین امکانات محدود، اما خیاط ماهری بود. تمام درآمدش از کار خیاطی را در خانه خرج می‌کرد.

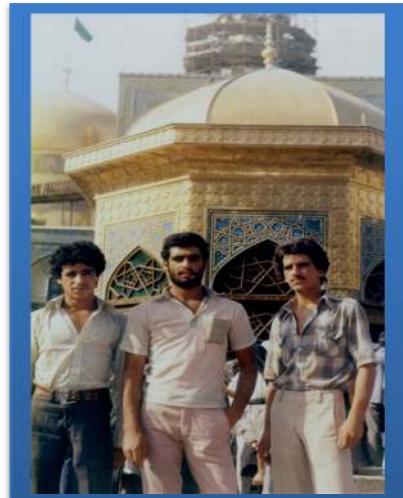
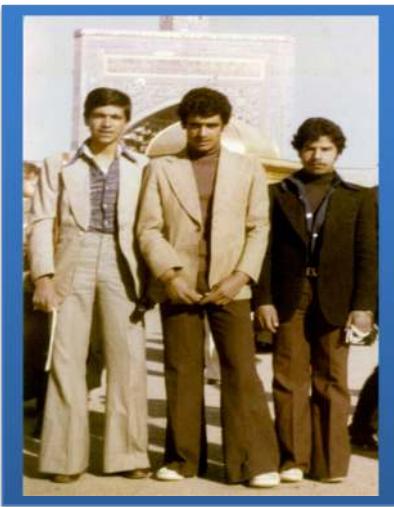




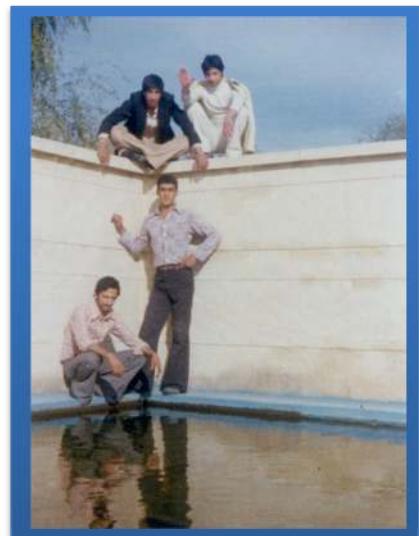
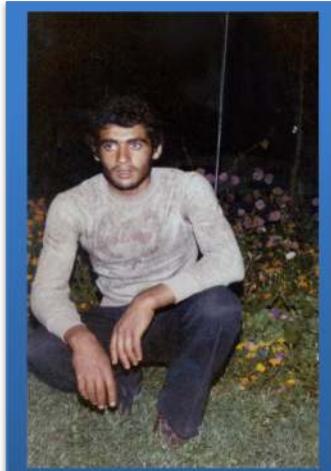
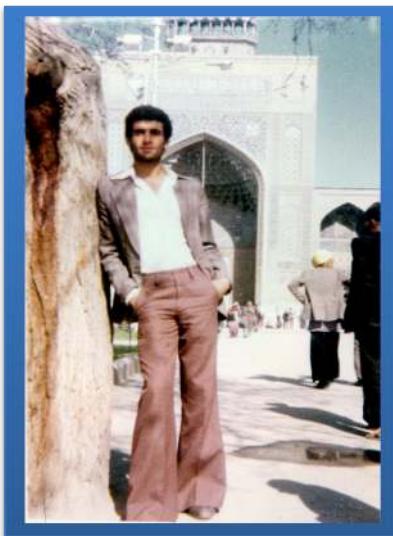
روی دوستانش نفوذ بالایی داشت و اغلب آنها را در فعالیتهای گروهی با خودش همراه می‌کرد. در ایام محرم دسته‌جات عزاداری راه می‌انداخت.

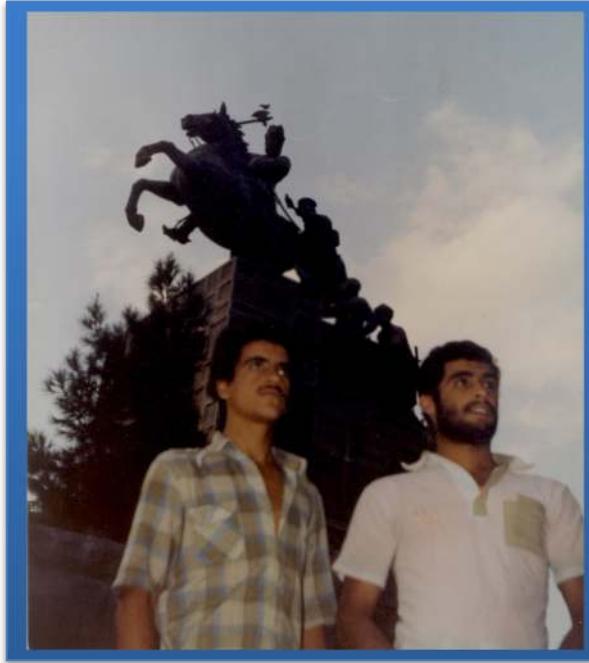
عاشورای سال ۱۳۵۷ در تظاهرات شهرضا شرکت کرد و یکی از آنهایی بود که مجسمه شاه را پایین کشیدند. تصویرش از طریق عکس و فیلم‌هایی که شهربانی از جمعیت گرفته بود، به دست ساواک رسیده بود، تحت تعقیب قرار گرفت، اما هرگز دستگیر نشد.



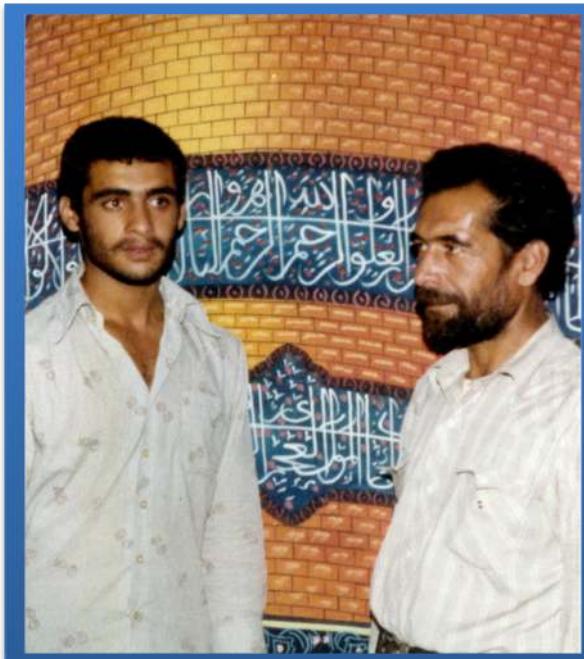


بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مدتی در انتظامات  
شهری مشغول نگهبانی شد.

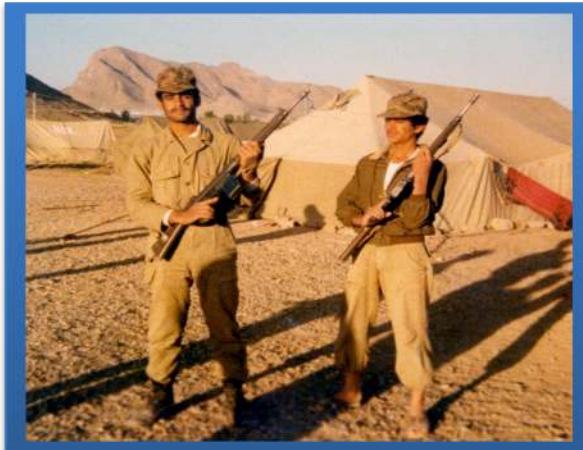




۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ وارد بسیج مسجد  
انقلاب شد و سه ماه آموزش دید.



برای یک مأموریت سه ماهه به سندج اعزام شد. بعد  
از پایان مأموریتش دوباره به کردستان رفت





بعد از آن در خردادماه سال ۱۳۶۰ عضو رسمی سپاه ستندج شد. فرماندهی عملیات گردان ضربت جندالله را به او سپردند.





به خاطر شجاعتی که از خودش نشان داد، در منطقه به بیر کردستان معروف شده بود.



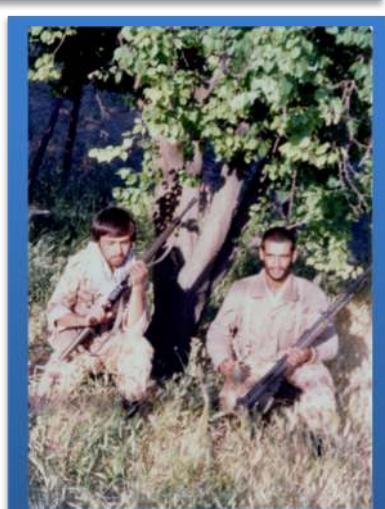
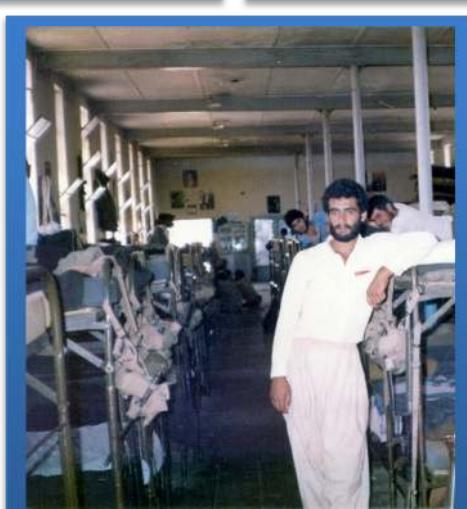
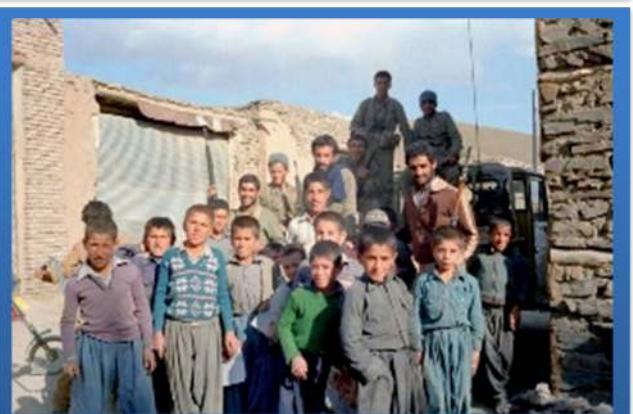


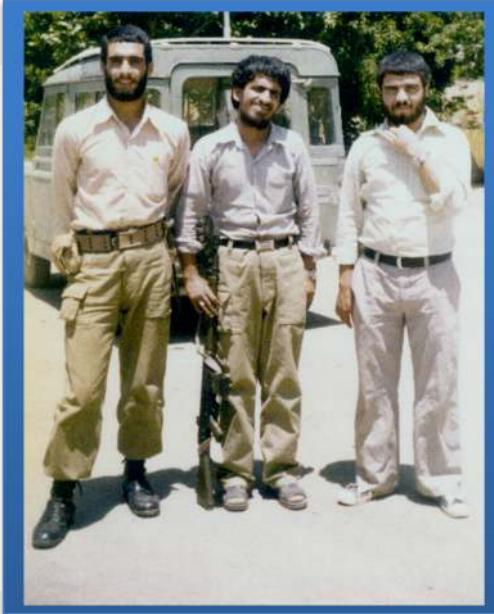
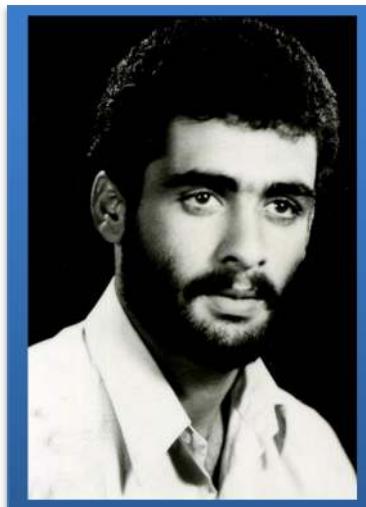
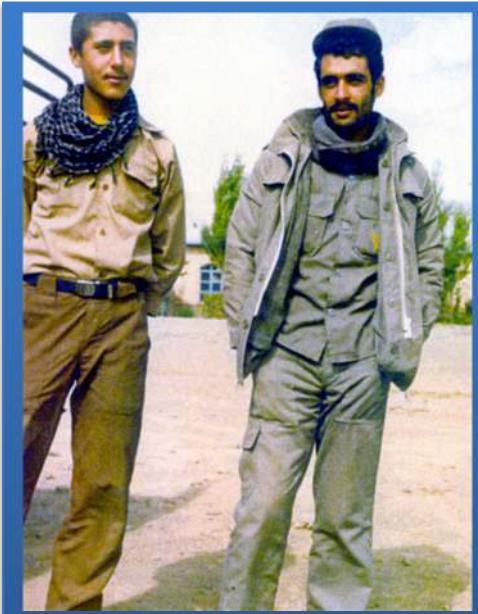
اسمش در لیست ترور ضدانقلاب بود.

یکی از گُردها او را به خانه‌اش دعوت کرد. وارد خانه که شد فهمید در دام ضدانقلاب افتاده است. به بهانه دستشویی از اتاق بیرون آمد تا فرار کند. متوجه شدند. تعقیب شدند، سقف اتاقی که داخلش بود را روی سرش خراب کردند. می‌خواستند با شلیک آرپی‌جی کارش را تمام کنند که همزمانش سر رسیدند و نجات پیدا کرد.



خودش در این رابطه گفته بود: «... با یک گروه دمکرات برخورد کردیم و پس از درگیری و غلبه یافتن بر آنها در جیب یکی از فرماندهان مزدور آمریکا لیستی را یافتیم که اسم چند تن از فرماندهان و اسم من را نیز برای ترور نوشته بودند.»





۲ مردادماه سال ۱۳۶۱ نیروهای ضدانقلاب با تمام امکانات به مقر دژن در محور کامیاران - مریوان حمله کردند و پایگاه سقوط کرد. محور در خطر بود، برای همین گردن جندالله و هوانیروز وارد عمل شدند و بعد از ۴۸ ساعت عملیات ۴ مردادماه در یک حمله ناگهانی، قله دژن را با دادن ۴ شهید از اشغال ضدانقلاب خارج کردند. در بین این شهدا عباسعلی کیاصدق، فرمانده عملیات گردن جندالله یکی از بهترین و با تجربه‌ترین نیروهای کردستان هم به چشم می‌خورد. ماشین او با مینی که ضدانقلاب کار گذاشته بود، برخورد کرده بود.

